



تاریخ دریافت مقاله: ۹۰/۳/۱۱

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۰/۵/۱۵

بررسی تاریخی و باستان‌شناختی قلعه خان لنجان (قلعه بزی) اصفهان

ژاله کمالی زاد* سید اصغر محمود آبادی** احمد رضائی***

چکیده

قلعه خان لنجان که هم اکنون با نام «قلعه بزی» شناخته شده است، از جمله قلاع کوهستانی استان اصفهان است که بر فراز سه رشته از ناهمواری‌های طبیعی کوه قلعه بزی در ۱۰ کیلومتری شمال شرق شهرستان مبارکه ساخته شده است. این قلعه احتمالاً در دوره ساسانی ایجاد و به دلیل موقعیت سوق‌الجیشی خود در دوران اسلامی نیز مورد بازسازی قرار گرفته است.

به دلیل کمبود اطلاعات در زمینه آثار معماری قلعه خان لنجان که به تناسب برش طبیعی کوه و در سه ارتفاع مختلف ساخته شده‌اند، ارائه نقشه ای جامع از فضاها و ساختارهای معماری آن با در نظر داشتن وضعیت توپوگرافی کوه‌های قلعه بزی به عنوان یکی از اهداف اصلی این پژوهش در نظر گرفته شد. همچنین به منظور درک بهتر از علل ساخت و استمرار استقرار در قلعه کوشش شد تا مطالعات جامعی در زمینه متون و مدارک مکتوب مرتبط با قلعه انجام پذیرد.

بر اساس داده‌های حاصل از بررسی و نقشه‌برداری مشخص گردید که این قلعه با وسعتی حدود یک هکتار، از یک ارگ بلند در مرتفع‌ترین نقطه کوه، استحکامات مرکزی و قلعه‌ای کوچک در پائین تشکیل شده است. نکته قابل توجه در طرح قلعه خان لنجان همچون سایر قلاع کوهستانی، بهره‌گیری از شرایط طبیعی ارتفاعات و ناهمواری‌ها به منظور ساخت و ساز است؛ به گونه‌ای که در معماری این قلعه الگو و نظم هندسی مشخصی به چشم نمی‌خورد. همچنین بر اساس مدارک مکتوب می‌توان اینگونه استنتاج نمود که قلعه خان لنجان به دلیل موقعیت مطلوب خود به تناوب و در برهه‌های زمانی مختلف کاربردهای گوناگونی یافته است؛ بگونه‌ای که این استحکامات علاوه بر عملکرد راهبانی و راهداری خود، متناسب با شرایط زمانی کارکرد مسکونی، نظامی و تدافعی و یا حکومتی داشته‌است.

کلید واژه‌ها: قلعه خان لنجان، کوه قلعه‌بزی، بررسی باستان‌شناختی، مدارک مکتوب.

* دانشجوی دکترای باستان‌شناسی، گرایش اسلامی، دانشکده ادبیات، دانشگاه تهران (نویسنده مسئول).
jalehkamalizad@gmail.com

** دانشیار تاریخ باستان، دانشکده ادبیات، دانشگاه اصفهان.

*** دانش آموخته کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز.

مقدمه

جلگه لنجان یا لنجانان با مساحتی حدود ۱۷۱۱ کیلومتر مربع در منتهی‌الیه جنوب غربی استان اصفهان قرار دارد. این منطقه که به دلیل عبور بخش عمده‌ای از مسیر زاینده رود در آن، همواره به عنوان یکی از بلوکات ارزشمند اصفهان مطرح بوده است (میر، ۱۳۷۰: ۱۱). کوه قلعه بزی با ارتفاع ۱۹۵۰ متر، حاصل آخرین پیشرفتگی ارتفاعات غربی (رشته کوه‌های دالانکوه) جلگه لنجانان است (شفقی، ۱۳۸۱) که رودخانه زاینده‌رود با دوزدن آن به سمت شمال و شهر اصفهان تغییر مسیر می‌دهد (تصویر ۱). ارتفاع قابل توجه کوه قلعه بزی و تسلط و اشراف آن بر جلگه حاصل‌خیز لنجان، موقعیت مناسبی^۱ به این کوه بخشیده و این امر در انتخاب چنین مکانی برای ساخت قلعه خان لنجان بی‌تاثیر نبوده است.

قلعه خان لنجان با مختصات جغرافیایی ۵۱ درجه و ۳۳ دقیقه طول شرقی و ۳۲ درجه و ۲۴ دقیقه عرض شمالی در منتهی‌الیه شرقی کوه قلعه بزی بنا شده است. کوه مذکور در ۳۰ کیلومتری جنوب غرب اصفهان، ۱۰ کیلومتری شمال شرق شهرستان مبارکه و شمال روستای حسن آباد واقع است. با در نظر داشتن موقعیت مناسب قلعه خان لنجان و استمرار سکونت در آن و همچنین با در نظر گرفتن ارتباط قطعی این استحکامات با قلعه شاهدز^۲ اصفهان، این اثر به عنوان نمونه‌ای از معماری نظامی دوران قبل و پس از اسلام حائز اهمیت است.

کارو میناسیان نخستین کسی است که قلعه خان لنجان را در سال ۱۹۵۰ میلادی (۱۳۲۸ ه. ش) شناسایی کرد. در سال ۱۳۴۳ ه. ش محمد مهریار بطور مختصر به معرفی بخش‌های مختلف قلعه پرداخته است (مهریار، ۱۳۴۳: ۱۰). همچنین ساموئل استرن و الیزابت بیزلی در سال ۱۹۶۵ میلادی این استحکامات را بررسی کردند؛ هر چند به دلیل فقدان تیم کوهنوردی، قلعه و راه‌های دسترسی آن به طور کامل مورد بازدید قرار نگرفت. این دو محقق با توجه به سفال‌های جمع‌آوری شده از سطح محوطه، زمان ساخت قلعه را به دوره اسلامی و قرون سوم و چهارم هجری قمری منتسب نمودند (Stern, 1971: 53). در تحقیقات بعدی، علیرضا جعفری زند استحکامات مذکور را به دوره ساسانی منتسب نمود (جعفری زند، ۱۳۸۱: ۱۹۹).

با توجه به شرایط مکانی قلعه خان لنجان که متناسب با ناهمواری‌های طبیعی کوه قلعه بزی و به شکل پلکانی ساخته شده است، تهیه و ترسیم نقشه توپوگرافی این ارتفاعات برای درک بهتر از موقعیت استحکامات و همچنین نقشه برداری

آثار معماری برجای مانده، به منظور دستیابی به اطلاعاتی کلی از محوطه و روشن نمودن ساختارهای معماری آن قبل از گمانه‌زنی یا حفاری امری ضروری به نظر می‌رسید. از این رو در اواخر شهریور ماه ۱۳۸۷، نقشه برداری و مستندسازی بناها و سازه‌های معماری قلعه خان لنجان با استفاده از دوربین نقشه برداری Total station leica 407 صورت پذیرفت و کلیه آثار معماری قلعه در کنار سایر داده‌های فرهنگی ثبت و ضبط گردید. همچنین به دلیل کمبود مطالعاتی که در زمینه متون و مدارک تاریخی قلعه خان لنجان وجود داشت، کلیه منابع مکتوب اعم از کتب جغرافیایی، متون تاریخی و نقشه‌های باستانی و تواریخ محلی مورد مطالعه قرار گرفت. این مدارک مکتوب که اغلب به دوره اسلامی تعلق دارند، کمک قابل توجهی به شناسایی دوره‌های مختلف سکونت در قلعه و عملکرد آن در ادوار گذشته نمود.

قلعه خان لنجان در مدارک و متون تاریخی

بلوک پهناور و حاصلخیز لنجان به عنوان پهنه فرهنگی پیرامون قلعه خان لنجان علاوه بر برخورداری از شرایط زیست‌محیطی مساعد، به خاطر وجود زمین‌های مستعد کشاورزی که آب مورد نیاز آن از طریق زاینده‌رود تامین می‌شده، همواره از اهمیت خاصی برخوردار بوده است. مترجم رساله محاسن اصفهان، این ناحیه را «لنجان» ثبت و آن را «غره طلعت اصفهان» معرفی نموده است (مافروخی، ۱۳۸۴: ۹۶). می‌رسید علی جناب عقیده دارد که «لنجان» به ترکی «لنگان» بوده است که سنگان باشد، زیرا اطراف آن را کوه و سنگ احاطه کرده است (جناب، ۱۳۷۶: ۱۲۴). این وجه تسمیه با توجه به توپوگرافی جلگه لنجان و کوه‌های اطراف آن تا حدی قابل قبول به نظر می‌رسد.

در اغلب متون جغرافیایی تاریخی مربوط به سده‌های اولیه اسلام از قلعه خان لنجان به همراه شهر باستانی مجاور آن یاد شده است. این شهر که بارها از آن به عنوان آخرین منزلگاه قبل از رسیدن به شهر اصفهان و با اسامی مختلفی همچون «خان ابرار» (ابن خرداد به، ۱۳۷۰: ۴۳)، «خان» (قدامه، ۱۳۷۰: ۳۱) و «خان لنجان» (اصطخری، ۱۳۴۰: ۱۶۴) نام برده شده است، از جمله سکونتگاه‌های مهم پیرامون قلعه است. اگر چه درباره مکان دقیق شهر باستانی خان لنجان در میان مورخان و محققان اختلاف نظر وجود دارد. جعفری زند با استناد به نظر لسترنج که شهر خان لنجان را با شهر فیروزان تطبیق می‌دهد، این قلعه را «دژ فیروزان» نامیده است (جعفری زند، ۱۳۸۱: ۱۹۸). جابری انصاری



«خدای نامه» بهره گرفته است، از آشکده معروفی با نام «سروش آذران» یاد می‌کند که شاپور پسر هرمز ساسانی در روستای «حروان» از روستاهای «جی» بنا نموده و دو قریه «یوان» و «جاجاه» را در بلوک «لنجان» وقف بر آن نموده است (حمزه بن حسن اصفهانی، ۱۳۷۶: ۵۸). مافروخی اصفهانی از «لنجان» به عنوان ناحیه‌ای مهم یاد می‌کند و به معرفی اشخاص و مشاهیری می‌پردازد که در دوره ساسانی از این ناحیه برخاسته‌اند: «بهرام گور از دیه روسان بود از ناحیت «لنجان» و در قلعه ای که محاذی روسان و آزادوار بود، منزلگاه می‌ساخت... و مهریزدان ملکی بود از ملوک طوائف در جهان، منشا او هم ناحیت «لنجان» بود، دز را بر بالای قلعه ماریبن او بنیاد نهاد» (مافروخی، ۱۳۸۴: ۹۵). ابن اثیر نیز در زمان حمله اعراب به اصفهان، به پنهان شدن اشراف و فتودال‌های این شهر در بخش‌هایی از ناحیه لنجان اشاره می‌کند (ابن اثیر، ۱۳۸۳: ۱۵۲۰).

بر اساس مدارک تاریخی و شواهد باستان شناختی، موقعیت سوق الجیشی قلعه خان لنجان موجب آن گردید تا در دوره اسلامی همچنان اهمیت خود را حفظ نماید و مورد استفاده، مرمت و بازسازی قرار گیرد؛ هر چند از زمان ورود اسلام تا دوره آل بویه، هیچگونه اطلاعی از قلعه خان لنجان در متون و مدارک تاریخی در دست نیست. این احتمال وجود دارد که در صورت حفاری قلعه، داده‌هایی در رابطه با چگونگی تصرف و دوره‌های سکونت در آن به دست آید. در قرن چهارم هجری قمری، با تضعیف حاکمیت خلفای عباسی، مملکت اسلامی تجزیه گردید و در دوران فرمانروایی آل بویه، اصفهان به عنوان بخشی از قلمرو آنان مورد توجه قرار گرفت و رونق فراوانی یافت (بارتلد، ۱۳۷۷: ۲۲۰). در کتب مسالک و ممالک مربوط به این دوره اغلب از شهر تجاری مهمی در مجاورت قلاع خان لنجان با همین نام یاد شده که به عنوان آخرین منزلگاه قبل از ورود به شهر اصفهان از اهمیت خاصی برخوردار بوده است. ابن حوقل در قرن چهارم قلعه و شهر خان لنجان را اینگونه توصیف می‌کند: «خان لنجان شهری است کوچک و فراخ نعمت و پر برکت و ناحیه و روستایی دارد... در اینجا قلعه بزرگی است که گنجینه امرای آن روستا و مشرف بر خان لنجان و نواحی آن تا نزدیک اصفهان است و روستا از شهر (اصفهان) ۹ فرسخ فاصله دارد» (ابن حوقل، ۱۳۴۵: ۵۴).

در این زمان ابن اثیر و ابن مسکویه به دو جنگ میان آل بویه و سامانیان که در خان لنجان رخ داده است، اشاره می‌کنند: «در صفر سال ۳۳۹ هجری قمری، منصور بن قراتکین به فرمان امیر نوح سامانی از نیشابور به ری لشکر کشید و پس از تصرف

صراحتاً قلعه «خان لنجان» را معقل دیپلمه معرفی نموده است (جابری انصاری، ۱۳۷۸: ۱۷).

دکتر محمد معین معتقد است صورت صحیح خان لنجان، خولنجان است؛ زیرا واژه «خو» یکی از حروف صامت زبان پهلوی است و واوی که بعد از حرف «خ» قرار می‌گیرد، واو معدوله نام دارد که در تلفظ، حرف اول را ابتدا به ساکن می‌خواندند و واو مفتوح را در آن فرو می‌بردند. در دوران اسلامی تلفظ این حرف فراموش گشته و مورخین عرب «خو» را «خان» ثبت کرده‌اند (معین، ۱۳۵۳: ۱۴۴۵). نکته قابل ذکر این است که در منتهی‌الیه جنوبی این منطقه کوه‌هایی قرار دارد که همچنان نام باستانی خود «خولنجان» را حفظ نموده و موید نظر دکتر معین است (سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۷۷). دقیقاً مشخص نیست که از چه زمانی این استحکامات به «قلعه بزی» تغییر نام داده شد. میناسیان در مورد وجه تسمیه قلعه بزی عقیده دارد که این مکان در اصل به «قلعه پوزه»^۲ معروف بوده و به مرور زمان به قلعه بزی تغییر یافته است (میناسیان، ۱۳۸۷: ۳۵).

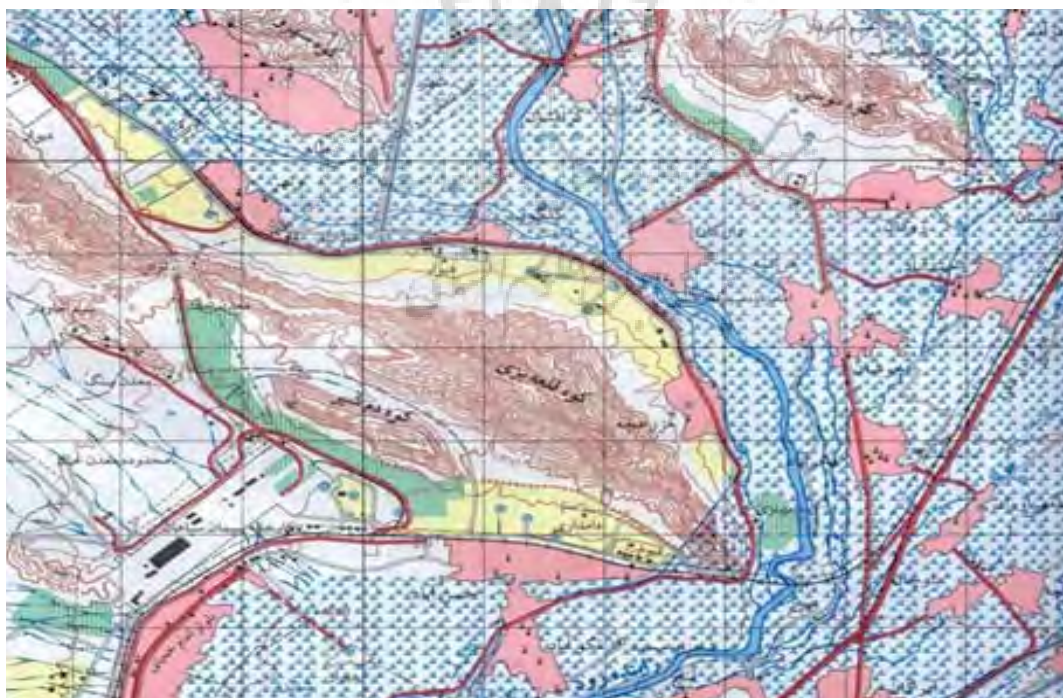
در دوره ساسانی به دلیل اینکه اصفهان یا جی باستان در نواحی مرکزی فلات ایران و در مسیر راه‌های ارتباطی مهمی نظیر ایالت فارس قرار داشت، به عنوان قلعه‌ای نظامی جهت تمرکز و تجمع سپاهیان مناطق جنوبی کشور در نظر گرفته شد (ابونعیم اصفهانی، ۱۳۷۶: ۱۹۳). ابن اثیر این نظر را چنین تایید می‌کند: «اصفهان به کسر اول یا فتح آن را از آن جهت اصفهان گفته‌اند که معرب سپاهان است و سپاه به معنی لشکر و هان علامت جمع است و اینجا محل تجمع سپاه آکاسره بوده است» (دهگان، ۱۳۴۲: ۲۹۸). در این دوره به منظور دفاع از اصفهان علاوه بر حصار شهری، قلع کوه‌ها نیز به قلعه‌ها و استحکاماتی مجهز بود و به نظر می‌رسد قلعه خان لنجان از جمله قلاع کوهستانی محسوب می‌شد که علاوه بر مناطق استراتژیک جنوب اصفهان و شاهراه‌های باستانی آن، بر جلگه حاصل خیز لنجانان اشراف و نظارت داشته است؛ زیرا جلگه لنجانان به دلیل برخوردار بودن از شرایط مساعدی همچون دسترسی مستقیم به آب زاینده رود، خاک حاصل خیز و رونق کشاورزی در همان ابتدای حکومت ساسانیان مورد توجه خاص آنان بوده است. وجود روستاهای اطراف قلعه خان لنجان همچون فیروزان، ورنامخواست (وردانخواست)، آدرگان (آذرگان) و دستگرد که اسامی آنها به وضوح در زبان پهلوی ساسانی ریشه دارد، موید این مطلب است. حمزه اصفهانی که در تالیف کتاب خود از برخی منابع کهن از جمله

این شهر به اصفهان روی آورد. رکن‌الدوله و یاران وی نیز که برای مقابله با آنها از فارس به همدان آمده بودند، راه اصفهان در پیش گرفت... و در خان لنجان رخت افکند و با خراسانیان چندین بار پیکار گذارد» (ابن اثیر، ۱۳۸۳: ۵۰۲۹).

این مسکویه در حوادث سال ۳۴۳ ه.ق حمله ابن مکان از خراسان به اصفهان را اینگونه توصیف می‌کند: «در این سال بود که ابن مکان به اصفهان درآمد... ابومنصور بن رکن‌الدوله (مویدالدوله) و خانواده و یاران ایشان ناگزیر شدند که با بدترین وضع به خان لنجان و از آنجا به رباط بروند و ابن مکان بر اصفهان چیره گشت. در این هنگام ابن‌عمید که در ارجان بود به همراه گروهی عرب و اندکی دیلمی که با خود داشت بیامد... ابن‌عمید در خان لنجان به ابن مکان رسید. یارانش را کشتار و اسیر کرده، خود او را دستگیر کرده، به دژ آن خان برد (ابن‌مسکویه، ۱۳۷۶: ۲۰۴).

با توجه به مطالب فوق می‌توان چنین استنباط کرد که در قرن چهارم و در زمان حکمرانی امرای آل‌بویه، قلعه خان‌لنجان از چنان موقعیت نظامی و سوق‌الجیشی‌ای برخوردار بوده که حاکم آل‌بویه به منظور دفاع و ایستادگی در مقابل حملات سامانیان به شهر اصفهان، به سمت خان لنجان رهسپار گردیده‌است. ابن‌اثیر در سال ۴۳۰ ه.ق زمانی که برادر حکمران کرمانشاه، یاران خود را در این دژ مستقر می‌کند، صراحتاً به قسمت مرکزی استحکامات خان‌لنجان

اشاره می‌کند: «حسام الدوله ابوشوک، قرمیسین از حومه جبل را گشود و حکمران آن را که از کردهای قوهیه بود، دستگیر کرد و برادر حکمران این سرزمین یاران خود در شهر خولنجان نهاد تا شهر را نیز پاس دارند و چون این روز رسید، ابوشوک سپاهی را سوی خولنجان گسیل داشت. این سپاه خولنجان را میانگیر کرد اما پیروزی نتوانست... آنگاه سپاه چست و چالاک دیگری بیاراست و بی آنکه کس بداند، همان‌روز گسیلشان داشت... هنگامی که باشندگان خولنجان هیچ آمادگی نداشتند، خود را بدانجا رساندند... سپاهیان این شهر در دژ میانی پناه گزیدند. یاران ابوشوک آنها را میانگیر کردند و در ذی‌القعدة این سال آن را فرو ستاندند» (ابن‌اثیر، ۱۳۸۵: ۵۷۰۹). بخش عمده‌ای از اطلاعات تاریخی قلعه خان‌لنجان به دوره سلجوقیان و قیام اسماعیلیه در اصفهان (اواخر قرن پنجم) مربوط می‌شود. در این برهه زمانی، ابن‌اثیر از قلعه خان لنجان و قلعه شاهدز اصفهان که حوادث تقریباً مشابهی را پشت سر گذارده‌اند، فراوان یاد می‌کند. بر طبق شواهد موجود هر دو قلعه مذکور در اختیار بزرگان و امرای سلجوقی قرار داشت اما به دلیل اختلافاتی که بر سر جانشینی ملک‌شاه سلجوقی رخ داد و به تضعیف قدرت مرکزی انجامید، توسط اسماعیلیان و به رهبری احمد بن عطاش^۴ تصرف شد (مستوفی، ۱۳۳۹: ۴۴۴). قلعه خان لنجان در ابتدا در اختیار مویدالملک فرزند



تصویر ۱. موقعیت کوه قلعه بزی و تغییر مسیر زاینده رود در مجاورت آن (بخشی از نقشه توپوگرافی ۱:۵۰۰۰۰)



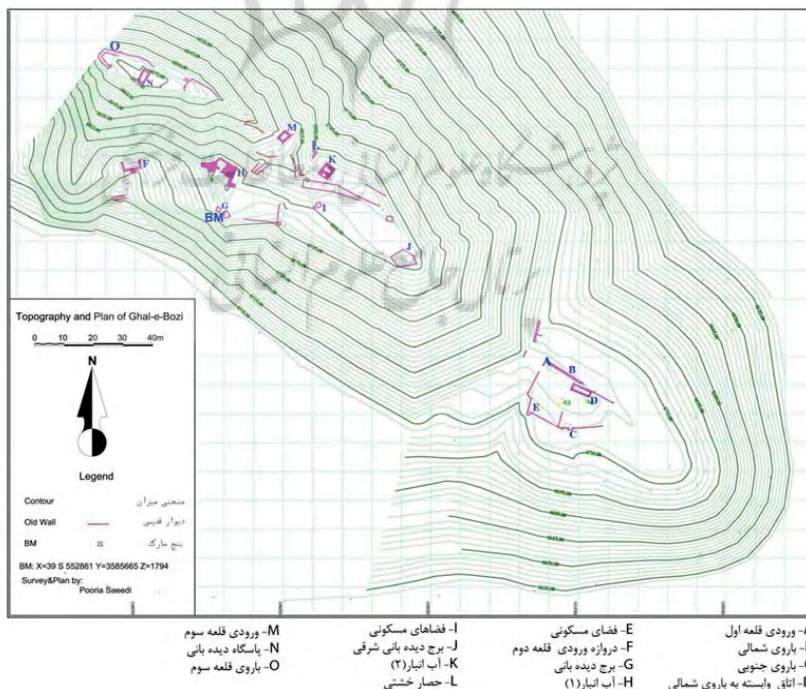
شاه مامور نمودند. شاه بار دیگر جنگ را از سر گرفت و فرمان داد تا قلعه خولنجان را نابود سازند (ابن اثیر، ۱۳۸۸: ۶۳۳۲). در متون و مدارک تاریخی راجع به استفاده مجدد از قلعه خان لنجان در ادوار بعدی مطلبی ذکر نشده اما با توجه به اهمیت منطقه لنجان و همچنین رونق یافتن شهر فیروزان در دوره ایلخانی که در شمال کوه قلعه بزی واقع بوده و حمدالله مستوفی نیز از آن به عنوان یکی از مهم‌ترین شهرهای اصفهان در این دوره نام می‌برد (مستوفی، ۱۳۳۶: ۵۶)، استفاده مجدد از قلعه خان لنجان چندان دور از ذهن به نظر نمی‌رسد. در این زمینه همچنین می‌توان به کتیبه‌ای واقع در ورودی قلعه سوم اشاره نمود که قدمت آن به قرن هفتم هجری باز می‌گردد.

ساختار معماری قلعه خان لنجان

همانگونه که در مقدمه ذکر شد، به دلیل صعب‌العبور بودن مکان قلعه و بررسی اندک و محدود آثار معماری آن، یکی از اهداف اصلی این پژوهش ارائه نقشه‌ای جامع از فضاهای معماری قلعه در نظر گرفته شد و بر همین اساس کلیه آثار و سازه‌های برجای مانده، با توجه به وضعیت توپوگرافی کوه‌های قلعه بزی مورد مطالعه و بررسی قرار گرفت (تصویر ۲). بر مبنای اطلاعات کسب شده از نقشه‌برداری، این قلعه در مجموع دارای مساحتی حدود ۹۲۶۰ متر مربع است که

نظام‌الملک طوسی بود و از او به بجاولی سقاوه از امیران سلجوقی منتقل گردید و او چون در خدمت پادشاهان سلجوقی اغلب در سفر بود، از طرف خویش مردی ترک را در بر این دژ گماشت (ابن اثیر، ۱۳۸۸: ۶۲۱۸). پس از مرگ ملکشاه سلجوقی در سال ۴۸۰ هجری قمری، به دلیل منازعات و کشمکش‌های فراوانی که میان پسرانش، برکیارق و سلطان محمد رخ داد، اسماعیلیان موفق به گسترش نفوذ خود شدند. ابن اثیر شرح کاملی از تصرف قلعه خان لنجان از طریق مست نمودن محافظان قلعه ارائه می‌دهد. در نهایت هر دو قلعه شاهدز و خان لنجان همانند بسیاری از قلاع اسماعیلیان بدون جنگ و خونریزی و تنها از طریق نفوذ ماموران اسماعیلیه در میان محافظان تسخیر شد و احمد بن عطاش آنها را با تغییراتی مستحکم‌تر ساخت (ابن اثیر، ۱۳۸۸: ۶۲۱۸).

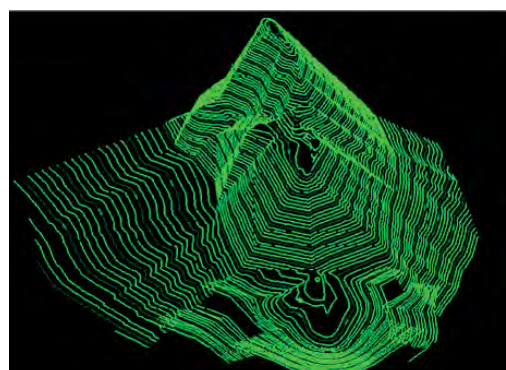
پس از فروکش نمودن درگیری دو برادر، سلطان محمد تپر به سرکوبی اسماعیلیان و تسخیر دژهای آنان پرداخت و در سال ۵۰۰ ه.ق به قصد نابودی اسماعیلیان، مقر اصلی آنها، شاهدز اصفهان را به مدت چند ماه تصرف نمود. اسماعیلیان دریافتند که محکوم به نابودی هستند، بنابراین از سلطان تقاضا نمودند در صورتی که قلعه خان لنجان به آنها داده شود، شاهدز را تسلیم می‌نمایند. شاه با درخواست آنان موافقت نمود و به آنان مهلت داد. اما اسماعیلیان ترفندی دیگر به کار بسته و یکی از سرداران خود را به کشتن یکی از نزدیکان



تصویر ۲. آثار معماری قلعه خان لنجان و وضعیت توپوگرافی ارتفاعات قلعه بزی (ترسیم از پوریا سعیدی، ۱۳۸۷)



تصویر ۴. استحکامات خان لنجان و مسیرهای ورودی آن
(نمای جنوبی کوه قلعه‌بزی) (مأخذ: ژاله کمالی‌زاد)



تصویر ۳. خطوط منحنی میزان آخرین پیشرفتگی کوه قلعه بزی
(ترسیم از پوریا سعیدی، ۱۳۷۸)

یک حصار خشتی دیده می‌شود که به منظور جلوگیری از نفوذ به قلعه از جبهه شمالی کوه ساخته شده است. به دلیل شرایط طبیعی کوه قلعه‌بزی، در قلعه اول، تنها جبهه شمالی و جنوبی آن دارای دیوارهای قطور لاشه سنگی با ارتفاع حدود ۳.۵ متر است و جبهه شرقی که مشرف به پرتگاهی با شیب نسبتاً زیاد است، فاقد حصار است. دیوار شمالی که بخش زیادی از آن تخریب شده با طول ۵۳ متر و ضخامت حدود ۲ متر دارای دو برج نیم‌دایره‌ای شکل به قطر ۱ متر است که در برخی نواحی از سطح طبیعی کوه برای ساخت آن بهره‌گرفته‌اند (تصویر ۵). حصار جنوبی نیز ۵۳ متر طول و ۲ متر ضخامت دارد که به دلیل دسترسی آسان به این قسمت از کوه، طبیعتاً دارای استحکامات بیشتری است. این حصار سنگی دارای دو برج مدور با قطر ۱.۲ متر و برجی به صورت مستطیل با ابعاد ۲×۳ متر است که به سمت بالا از عرض آن کاسته می‌شود (تصویر ۶). قلعه اول از طریق گردنه‌ای باریک که در سمت چپ دروازه ورودی واقع شده با قلعه دوم مرتبط بوده است؛ محمد مهریار نیز به دیوار سدکننده عظیمی در این قسمت قلعه اشاره نموده که در حال حاضر از میان رفته است (مهریار، ۱۳۴۳: ۲۹).

به اقتضای برش طبیعی کوه و در سه ارتفاع مختلف که بین ۱۷۲۰ تا ۱۸۷۵ متر از سطح دریا متغیر می‌باشد، ساخته شده است (تصویر ۳). با توجه به شرایط خاص استحکامات خان لنجان که از یک قلعه کوچک در پائین کوه، یک قلعه مرکزی و نیز یک ارگ بلند در مرتفع‌ترین نقطه کوه تشکیل شده است، در سه قسمت مجزا به معرفی ساختارهای آن خواهیم پرداخت (تصویر ۴).

قلعه اول

قلعه اول در در منتهی‌الیه شرقی کوه قلعه‌بزی و در پست‌ترین قسمت آن ساخته شده است. این دژ کوچک با مساحتی حدود ۱۶۷۱ متر مربع بر نواحی شرقی کوه قلعه‌بزی و زمین‌های حاشیه روخانه زاینده‌رود مشرف و مسلط است و با اختلاف ارتفاع حدود ۹۰ متر از سطح زمین‌های اطراف خود، به راحتی قابل دسترس است. مسیر ورودی قلعه اول در شمال غربی آن قرار دارد و با شیب ملایمی به دروازه ورودی منتهی می‌شود که هم‌اکنون تخریب و تنها بقایایی از آن قابل مشاهده است. در جبهه شمالی دروازه نیز آثار



تصویر ۶. نمای جنوبی قلعه اول، حصار و برج‌های آن
(مأخذ: ژاله کمالی‌زاد)



تصویر ۵. نمای شمالی قلعه اول، حصار به همراه دو برج مدور
(دید از قلعه دوم) (مأخذ: ژاله کمالی‌زاد)



مشکل ساخته‌است. پس از ورود به محوطه قلعه، در سمت راست بنایی مربع شکل که طول هر ضلع آن حدود ۲٫۸۰ متر است، به چشم می‌خورد و آثار پی آن که در صخره تراشیده شده همچنان باقی مانده است. این بنا که احتمالاً نوعی برج دیده‌بانی است؛ بر مسیر ورود به قلعه و سرتاسر جبهه جنوبی کوه و راه‌های آن مسلط است.

در سمت چپ دروازه ورودی و در تنگه‌ای که به لحاظ مکانی از موقعیت ایده‌آلی جهت جمع‌آوری و ذخیره آب برخوردار است- و خطوط منحنی میزان نیز این امر را تایید می‌کنند- مخزن آبی در بین بریدگی کوه با پهنای حدود ۱۳ متر و در ارتفاع ۱۸۰۰ متری ایجاد شده است. این سازه عظیم به شکل استوانه‌ای با چهار دیواره قطور (حدود ۲٫۵ متر) است که از لاشه سنگ و ملاط و لایه‌های متعدد اندود که سراسر آن را پوشش داده، ساخته شده است (تصویر ۷).

پس از دروازه ورودی، شرایط طبیعی کوه فضای مسطحی را ایجاد کرده است. حجم وسیع آوار در این قسمت بیانگر وجود سازه‌ها و فضاهای مسکونی متعددی است که متأسفانه امروزه همه آنها تخریب گشته‌اند. تنها سازه برجای مانده، بقایای بنایی است که از آجرهایی مربع شکل به ابعاد ۲۱×۲۱×۴ ساخته شده و دارای چندین لایه اندود بسیار محکم است. جعفری زند، کاربرد این آجرهای قرمز رنگ را به دوره اسلامی و قرن ششم نسبت می‌دهد (جعفری زند، ۱۳۸۱: ۱۹۲). کلیه این آثار درون دیواری در جبهه جنوبی کوه، که بخش زیادی از آن فرو ریخته، قرار دارد. همچنین در منتهی‌الیه شرقی قلعه دوم و بر فراز صخره‌ای مرتفع، برج دیده‌بانی به چشم می‌خورد که به منظور تسلط بر مناطق شرقی و قلعه اول ساخته شد.

قلعه دوم را به واسطه وجود تیغه کوه می‌توان به دو جبهه شمالی و جنوبی تقسیم کرد. به منظور دسترسی



تصویر ۸. آب انبار مجاور دروازه دوم که در جبهه شمالی کوه واقع شده است. (مأخذ: ژاله کمالی‌زاد)

آثار بناهای ساختمانی متعدد، گویای کاربری مسکونی این قلعه کوچک می‌باشد. از جمله این آثار می‌توان به اتاقی در مجاورت حصار شمالی اشاره نمود که دارای دو دیوار چسبیده به هم بوده و مربوط به دو دوره زمانی متفاوت است. در منتهی‌الیه شرقی این قسمت نیز آثار تسطیح صخره به منظور ایجاد مکان دیده‌بانی به چشم می‌خورد. از بناهای وابسته به حصار جنوبی نیز می‌توان به بقایای اتاقی با عرض ۶ متر و یک راهرو به عرض ۲ متر اشاره کرد که در زیر آوار مدفون گشته است. در این قلعه هیچ‌گونه سازه یا تاسیساتی که به عنوان آب انبار مورد استفاده قرار گرفته باشد، شناسایی نشد. با توجه به شواهد موجود و وضعیت مناسب آثار، احتمالاً قلعه اول به دلیل دسترسی آسان بیش از سایر قلاع مورد توجه بوده و در دوره‌های مختلف بازسازی شد و مورد استفاده قرار گرفت.

قلعه دوم

در این قسمت شرایط طبیعی کوه فضای مسطح و نسبتاً وسیعی را در اختیار سازندگان قلعه قرار داده است. قلعه دوم با مساحتی حدود ۶۱۹۲ متر مربع، شامل مجموعه گسترده‌ای از آثار و استحکامات نظامی است که در ارتفاعات مختلفی بین ۱۷۹۰ تا ۱۸۲۰ متر از سطح دریا بنا شده است. ورودی قلعه دوم که در حقیقت راه دسترسی به قلعه سوم نیز محسوب می‌شود، در جبهه جنوبی کوه قرار دارد که پس از طی مسیری با عبور از یک سازه سنگی به ابعاد ۶×۱۲ متر، به سمت شرق انحراف پیدا می‌کند. این سازه که از لاشه سنگ و ملاط ساخته شده دارای دیواره‌هایی با ضخامت حدود ۱ متر و چندین لایه پوشش است که احتمالاً به منظور مراقبت از این راه و کنترل ورود و خروج قلعه ایجاد شده است. این مسیر در نهایت به دروازه و مجموعه اصلی قلعه دوم منتهی می‌شود که شیب تند کوه در این قسمت دسترسی به آن را تا حدی



تصویر ۷. آب انبار مجاور دروازه دوم که در موقعیت مناسبی جهت جمع‌آوری آب ساخته شده است. (مأخذ: ژاله کمالی‌زاد)

به جبهه شمالی و دروازه ورودی قلعه سوم، تراش‌هایی به صورت پلکان در صخره‌های سنگی ایجاد نموده‌اند. از آثار شاخص جبهه شمالی، که در شیب تند کوه ایجاد شده، بنایی است مستطیل شکل که ورودی راهرو ماندنی در گوشه سمت چپ خود دارد. این سازه سنگی که نسبتاً سالم مانده است، در ابعاد 9×7.5 متر ساخته شده و دارای دیوارهای قطوری به ضخامت حدود ۱.۳۵ در جبهه شمالی و جنوبی و ۷۰ متر در جبهه شرقی و غربی است که با لایه‌های متعدد اندود شده‌اند (تصویر ۸). با توجه به آزمایشاتی که بر روی خصوصیات فیزیکی ملاط‌های هر سه قلعه صورت گرفته، ملاط به کار رفته در این سازه به نسبت سایر نمونه‌های مورد آزمایش، دارای پائین‌ترین درجه آبمکی^۶ و کمترین درصد پوکی است که تاییدکننده کاربری این سازه به عنوان محلی جهت نگهداری و ذخیره آب می‌باشد.

سرتاسر جبهه شمالی قلعه دوم با حصارای خشتی که بخش‌های زیادی از آن فرو ریخته، محصور گشته است. این حصار که تا دروازه قلعه سوم امتداد دارد، از مسیر ورودی آن محافظت می‌نماید و نفوذ به قلعه سوم و دوم از طریق دامنه‌های شمالی کوه قلعه بزی را کاملاً غیرممکن ساخته است. با توجه به وسعت قلعه دوم و حجم وسیع آوار و سازه‌های گوناگونی همچون فضاهای مسکونی، دو مخزن آب بزرگ، سه پایگاه دیده‌بانی، احتمالاً از این قلعه به عنوان پادگان نظامی استفاده می‌شد. این استحکامات از شرق و غرب با دو قلعه مجاور خود در ارتباط بوده و با داشتن دو مخزن آب، در صورت محاصره، ماه‌ها قادر به مقاومت بوده است.

قلعه سوم

قلعه سوم در اصل نوعی ارگ کوچک و در عین حال دست‌ناپذیر است که در ارتفاع ۱۸۷۰ متری و در فضایی محدود بنا شد. ارگ، آخرین نقطه مقاومت و بخش اصلی دژهای کوهستانی است که در بلندترین و مناسب‌ترین نقطه کوه ساخته شده و معمولاً محل سکونت فرمانده دژ بوده است؛ زیرا این بخش از قلاع، به دلیل ارتفاع زیاد و موقعیت ممتاز خود بر دورترین گذرگاه‌ها و دشت‌های اطراف و بیشترین سطح قلعه نظارت و اشراف داشت (پازوکی، ۱۳۷۶: ۱۶۳). بخش سوم قلعه خان لنجان نیز دارای چنین موقعیتی است که بر ستیغ کوه و در جهت شمال غربی- جنوب شرقی بنا گردید. نواحی شمالی و جنوبی این ستیغ دارای پرتگاه‌هایی به صورت کاملاً عمودی است. ورود به قلعه سوم از سمت شرق و از طریق قلعه دوم امکان‌پذیر است که توسط دروازه‌ای با ابعاد 5.5×7.5 متر محافظت می‌شد. این دروازه از لاشه سنگ ساخته شده و دارای لایه‌های متعدد اندود است.

در مرتفع‌ترین قسمت این قلعه (ارتفاع ۱۸۷۵ متری) بنایی به ابعاد $10 \times 5/25$ متر ساخته شده است که تقریباً بر سرتاسر مناطق جنوبی کوه مسلط است. این بنا به صورت یک برج مستطیل شکل با ارتفاع حدود ۳ متر و دیوارهایی با قطر ۱ متر است که از سنگ و ملاط محکمی تشکیل شده است. قسمت بیرونی دیوارها با گل و درون آن با چهارلایه اندود - که صرفاً کارکرد رومالی داشته و بسیار پوک می‌باشد - پوشیده شده است. کاربرد اصلی این بخش



تصویر ۱۰. ارگ قلعه سوم که در مرتفع‌ترین قسمت کوه و جبهه جنوبی آن بنا شده است. (مأخذ: ژاله کمالی‌زاد)



تصویر ۱۲. نمای غربی حصار قلعه سوم که نفوذ به آن را غیر ممکن ساخته است. (مأخذ: ژاله کمالی‌زاد)

خان لنجان به چشم می‌خورد، استفاده از چندین لایه اندود با ضخامت حدود یک سانتی متر است که بر روی هم کشیده شده است. با توجه به این نکته که سنگ نمی‌تواند عایق مناسبی در برابر سرما و گرما باشد، با این عمل سعی نموده‌اند تا از اندود به عنوان نوعی عایق حرارتی استفاده کنند (زمرشیدی، ۱۳۷۲: ۲۴۷). علاوه بر کاربرد سنگ لاشه به عنوان مصالح اصلی قلعه خان لنجان، سازندگان قلعه از خشت به منظور مسدود نمودن راه‌های منتهی به قلعه و یا به منظور مرمت و پشتیبان دیوارهای سنگی بهره‌گرفته‌اند. ابعاد خشت‌های مذکور حدود $۵ \times ۲۵ \times ۲۵$ سانتی متر است که امروزه بسیاری از آنها فرو ریخته است. بر طبق مدارک تاریخی، اسماعیلیان به دلیل تعجیلی که در امر ساخت و ساز قلاع و استحکامات خود داشتند، معمولاً از خشت به منظور مسدود نمودن راه‌ها و گذرگاه‌ها و ساخت حصار استفاده می‌کردند.

سایر آثار

هم‌اکنون به استثنای سفال‌هایی که از حفاری‌های قاچاق قلعه سوم به بیرون ریخته شده و اغلب آنها از نوع سفال‌های خشن و ذخیره‌ای است، در سایر قسمت‌های قلعه مقدار ناچیزی سفال مشاهده می‌شود که با توجه به تعدد دوره‌های سکونت در قلعه تا حدی عجیب به نظر می‌رسد. در این زمینه استرن اشاره می‌کند که در برنامه سال ۱۹۶۵ خود قصد انجام مطالعات باستان‌شناسی نداشته اما در یک بررسی ساده به جمع‌آوری داده‌های سطحی از جمله سفال پرداخته است. وی قدیمی‌ترین سفال‌ها را مربوط به قرون سوم و چهارم هجری قمری و اغلب آنها را به مهم‌ترین دوره سکونت قلعه یعنی زمان سلاجقه و اسماعیلیان نسبت می‌دهد (Stem, 1971). با توجه به مطالب ذکر شده و کمبود سفال در محوطه به نظر می‌رسد انجام حفاری و گمانه‌زنی، اطلاعات دقیق‌تری در مورد وضعیت سفال این محوطه در اختیار مآثر قرار دهد.



تصویر ۱۱. بقایای حصار و ارگ قلعه سوم (نمای شمالی). (مأخذ: ژاله کمالی‌زاد)

احتمالاً پاسگاه مراقبت و دیده‌بانی بود؛ زیرا این قسمت تا ۱۶ کیلومتر بر جنوب و حدود ۶ کیلومتر بر نواحی دیگر کاملاً اشراف دارد و تنها در قسمت شمال غربی است که رشته کوهی دید آن را مسدود ساخته است (تصویر ۱۰). نواحی جنوبی قلعه سوم به خاطر شرایط طبیعی کوه که در این قسمت به پرتگاه منتهی می‌شود، فاقد هرگونه حصار و دیواری است. اما در سمت شمال و غرب حصار سنگی قطوری با طول ۵۵ متر و ضخامت ۲ متر سراسر قلعه سوم را در بر گرفته و با دو برج مدور خود، این قلعه را نفوذ ناپذیر ساخته است (تصاویر ۱۱ و ۱۲). همچنین در مجاورت حصار غربی آثاری از تراش و تسطیح صخره‌ها به چشم می‌خورد که نشان می‌دهد با ساخت پرتگاه‌هایی دسترسی به قلعه سوم را غیرممکن ساخته‌اند. در قلعه سوم نیز همانند قلعه اول، سازه‌ای که احتمالاً دارای کارکرد آب انبار باشد، مشاهده نشد. آثار توده آوار در زیر قلعه سوم و سفال‌هایی که از حفاری‌های قاچاق به بیرون ریخته شد، حاکی از این است که قلعه دارای ساختمان‌های پشتیبان دیگری بوده که اکنون تخریب گشته‌اند. به دلیل فضای محدود و عرض بسیار کم قلعه‌ای که قلعه سوم بر فراز آن ساخته شده، احتمالاً از این بنا در مواقع ضروری استفاده می‌شد و کاربرد مسکونی نداشت. در اغلب بناهای برجای مانده، از سنگ‌های موجود در کوه قلعه‌بزی به عنوان ماده اصلی استفاده شد؛ با این تفاوت که در بخش‌های میانی دیوارها سنگ لاشه و در بخش‌های بیرونی از سنگ‌های منظم و تراش‌خورده به کار رفته است. لازم به ذکر است که یکی از شاخصه‌های مهم معماری دوره ساسانی، کاربرد مصالح سنگی خصوصاً در ساخت قلاع و استحکامات دفاعی است؛ به گونه‌ای که در قسمت درونی دیوارها، قطعه سنگ‌های نامنظم و ملاط غلیظ و در بخش خارجی، سنگ‌های تراشیده و منظم - که دارای نمای بهتری هستند - به کار می‌بردند (پیرنیا، ۱۳۷۸: ۳۷). نمونه این سبک معماری در قلعه شاهدز اصفهان نیز مشاهده می‌شود. نکته دیگری که در اکثر سازه‌های سنگی استحکامات

سنگ‌نوشته‌ها از دیگر آثار قلعه خان لنجان هستند که فراوانی آنها به ویژه در مجاورت محوطه مسکونی قلعه دوم قابل توجه و احتمالاً به دلیل تمرکز استقرار در این قسمت قلعه بوده است. هرچند اغلب این کتیبه‌ها به دلیل فرسایش سنگ‌های آهکی به شدت ناخوانا و برخی نیز به دلیل وجود آوار قلعه مدفون گشته‌اند. در این مجموعه تنها دو کتیبه کامل و معنادار شناسایی شد و سایر سنگ‌نوشته‌ها

به صورت تک کلمات یادگاری هستند که در این میان، بیشتر کلمات «الله»، «محمد»، «علی» و «سنجر» به چشم می‌خورد. کتیبه‌ای که در ورودی قلعه سوم و بر فراز صخره بلندی ایجاد گردیده تا حد زیادی مخدوش و ناخوانا است اما در آخرین سطر آن عبارت «صفر سنه اربع العشرین ستمائة» به خط ثلث تشخیص داده شد که قدمت کتیبه مذکور را به قرن هفتم هجری قمری بازمی‌گرداند.

نتیجه‌گیری

همانگونه که ذکر شد، در دوره ساسانی به دلیل وجود سیستم یکپارچه سیاسی و حفظ تمامیت ارضی، قلاع از اهمیت بیشتری برخوردار گشتند و معماری نظامی و تدافعی گسترش فراوانی یافت. با توجه به نقش مهم اصفهان از لحاظ نظامی در دوران ساسانی، علاوه بر حصار شهری، قلل کوه‌ها نیز به قلعه‌های و استحکاماتی مجهز گشتند. به نظر می‌رسد قلعه شاهدز در مجاورت شهر اصفهان و قلعه خان لنجان در منطقه لنجان از جمله قلاعی هستند که در ارتباط با یکدیگر و به منظور کنترل و نظارت بر منطقه کوهستانی جنوب شهر اصفهان و شاهراه‌های مهم آن ساخته شدند. این دو قلعه با عملکرد راهداری و راهبانی به عنوان قلاع اصلی و مادر، نقش مهمی در ایجاد امنیت این منطقه ایفا نمودند. در این زمینه میناسیان نیز به شبکه استحکامات و برج‌های دیده بانی که در منطقه کوهستانی بین قلعه شاهدز و قلعه خان لنجان ساخته شده است، اشاره می‌کند که بیانگر اهمیت نظارت و حراست از این منطقه استراتژیک است. از سوی دیگر با توجه به موقعیت خاص جلگه لنجان، چه به لحاظ دسترسی مستقیم به آب زاینده رود و چه به لحاظ دارا بودن زمین‌های حاصل‌خیز کشاورزی که در دین زرتشت ارزش فراوانی داشت، این منطقه از همان ابتدای حکومت ساسانیان مورد توجه قرار گرفت. در این میان، قلعه خان لنجان به واسطه ارتفاع قابل توجه کوه‌بزی و موقعیت مناسب آن که تقریباً در مرکز جلگه لنجان واقع است؛ به عنوان دژی استوار در مرکز این منطقه حاصل‌خیز مطرح گردید.

با سقوط ساسانیان و پیروزی اعراب، هر چند بسیاری از استحکامات ویران شد اما برخی نیز به دلیل موقعیت مطلوب و استراتژیک خود مورد استفاده و بازسازی قرار گرفتند. با بررسی متون و مدارک دوره اسلامی مربوط به قلعه خان لنجان می‌توان استنباط نمود که این قلعه نیز به دلیل موقعیت مطلوب خود در دوره اسلامی مجدداً مورد استفاده قرار گرفته و در برهه‌های مختلف زمانی کاربردهای گوناگونی یافته است؛ به گونه‌ای که این استحکامات علاوه بر عملکرد راهبانی و راهداری، متناسب با شرایط زمانی کارکرد مسکونی، نظامی و تدافعی و یا حکومتی داشته‌اند. ابن حوقل در قرن چهارم هجری قمری از قلعه خان لنجان به عنوان محل گنجینه امرای محلی یاد می‌کند در حالی که در همین دوران ابن مسکویه و ابن اثیر با اشاره به دو جنگ میان آل‌بویه و سامانیان، بر کاربری نظامی این استحکامات تأکید می‌کنند. در زمان سلجوقیان این قلعه با کارکردی حکومتی در اختیار بزرگان و امرای سلجوقی قرار گرفت اما با تصرف آن به دست اسماعیلیان و الحاقاتی که در آن صورت پذیرفت، به پایگاه نظامی نفوذناپذیری مبدل گشت.

نکته قابل توجه در طرح قلعه خان لنجان و سایر قلاع کوهستانی، بهره‌گیری از شرایط طبیعی ارتفاعات و ناهمواری‌ها به منظور ساخت‌وساز است؛ به گونه‌ای که در معماری این قلاع الگو و نظم هندسی مشخصی به چشم نمی‌خورد و تنوع این آثار در مناطق کوهستانی چنان است که می‌توان گفت هیچ قلعه‌ای را نمی‌توان یافت که طرحی همسان با قلعه دیگر داشته باشد. از این رو دو قلعه کوهستانی شاهدز و خان لنجان که احتمالاً در یک دوره ساخته شده و حوادث تقریباً مشابهی را پشت‌سر گذاشته‌اند؛ با وجود یکسان بودن مصالح، دارای پلان و طرح کاملاً متفاوتی هستند. قلعه خان لنجان بر خلاف طرح متمرکز شاهدز، دارای ساختاری سلسله‌مراتبی متناسب با شرایط طبیعی کوه‌بزی است.



تشکر و قدردانی

در ابتدا از سرکار خانم دکتر هایده لاله بخاطر راهنمایی و حمایت همیشگی‌شان تشکر و قدردانی می‌نماییم. همچنین از آقایان علی شجاعی و پوریاسعیدی که با وجود شرایط سخت، در نقشه‌برداری قله خان‌لنجان همکاری نمودند سپاسگزاریم. در پایان از مهدی خدادادی، باستان‌شناس کوچک روستای حسن آباد قلعه‌بزی و خانم جبل‌عاملی مسئول آزمایشگاه مرمت سازمان میراث فرهنگی استان اصفهان صمیمانه متشکریم. همچنین کلیه تصاویر این پژوهش توسط ژاله کمالی‌زاد تهیه شده است.

پی‌نوشت

- ۱- پژوهش‌های اخیر در غارهای پارینه سنگی قلعه‌بزی که در فاصله اندکی از قلعه خان‌لنجان واقع شده و شامل یک پناهگاه صخره‌ای و دو غار می‌باشند، تاریخ قطعی حضور انسان در این ناحیه را حداقل تا ۴۲ هزارسال قبل (پارینه سنگی میانی) به عقب باز می‌گرداند (بیگلری، ۱۳۸۷).
- ۲- این قلعه بزرگ با تاسیسات فراوان در جنوب شهر اصفهان و بر فراز کوه صفه با ارتفاع حدود ۲۲۳۲ متر ساخته شده که به دلیل موقعیت استراتژیک خود بر کل شهر اشراف دارد. قلعه شاهدز در سال ۱۳۸۳ توسط فریبا سعیدی مورد حفاری قرار گرفت و وجود لایه‌های ساسانی و اسلامی در آن به اثبات رسید (کریمیان، ۱۳۸۷).
- ۳- «پوزه» در اصطلاح روستاییان اطراف اصفهان، نام پیش آمدگی اطراف کوه است که به صورت منفرد از سلسله جبال جدا گشته‌است (مهاریار، ۱۳۴۳: ۱۵). نظر میناسیان در مورد نام استحکامات مذکور قابل قبول به نظر می‌رسد زیرا امروزه نیز ساکنان روستاهای مجاور همچنان از عنوان «پوزه» برای نامیدن این بخش از کوه استفاده می‌کنند (نگارنده).
- ۴- عبدالملک عطاش رهبری اسماعیلیان در اصفهان را مخفیانه و از چندین دهه پیش از قیام عمومی اسماعیلیان بر عهده داشت و نقش مهمی در گرویدن و تعلیم حسن صباح به این فرقه ایفا کرد. پس از مرگ عبدالملک عطاش، این جنبش همچنان در اصفهان توسط فرزندش احمد عطاش در اواخر حکومت ملک‌شاه و تا پانزده سال پس از مرگ وی فعال بود (همدانی، ۱۳۸۴).
- ۵- نام چاولی یا جاولی در فارسنامه ابن بلخی و نزه القلوب به خاطر تعمیر و مرمت دژها و شهرها و ساختن بندها و سدها مکرر ذکر شده است. اتابک چاولی سقاو از جانب سلطان محمد سلجوقی به والیگری فارس منصوب شد و به فخر الدوله ملقب گردید و مدت ۲۰ سال والی نیمه مستقل فارس و کرمان بود (لسترنج، ۱۳۷۷: ۲۸۵).
- ۶- میزان آبی که توسط ملاط جذب می‌شود.

منابع

- ابن اثیر، علی بن محمد. (۱۳۸۳). *تاریخ کامل*. برگردان حمیدرضا آژیر. (جلد دوازدهم). تهران: نشر اساطیر.
- ابن اثیر، علی بن محمد. (۱۳۸۵). *تاریخ کامل*. برگردان حمیدرضا آژیر. (جلد سیزدهم). تهران: نشر اساطیر.
- ابن اثیر، علی بن محمد. (۱۳۸۸). *تاریخ کامل*. برگردان حمیدرضا آژیر. (جلد چهاردهم). تهران: نشر اساطیر.
- ابن حوقل، ابوالقاسم بن محمد. (۱۳۴۵). *صورة الارض*. ترجمه جعفر شعار. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- ابن خردادبه، ابی قاسم عبید الله. (۱۳۷۰). *المسالك و الممالک*. ترجمه حسین قره چانلو. تهران: انتشارات مترجم.
- ابن رسته، احمد بن عمر. (۱۳۶۵). *الاعلاق النفیسه*. ترجمه و تعلیق دکتر حسین قره چانلو. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ابن مسکویه، ابوعلی احمد بن محمد. (۱۳۷۶). *تجارب الامم*. جلد ششم. ترجمه علینقی منزوی. تهران: انتشارات توس.
- ابونعیم اصفهانی، حافظ. (۱۳۷۶). *ذکر اخبار اصفهان*. ترجمه نورالله کسائی. تهران: انتشارات سروش.
- اصطخری، ابواسحق ابراهیم. (۱۳۴۰). *مسالك و الممالک*. به کوشش ایرج افشار. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- اصفهانی، حمزه بن حسن. (۱۳۶۷). *تاریخ پیامبران و شاهان*. ترجمه دکتر جعفر شعار. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- بارتلد، ویلهم. (۱۳۷۷). *جغرافیای تاریخی ایران*. ترجمه همایون صنعتی‌زاده. تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
- پازوکی طرودی، ناصر. (۱۳۷۶). *قلع و استحکامات دفاعی در ایران دوره اسلامی*. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- پیرنیا، کریم. (۱۳۷۸). *مصالح ساختمانی (آزنده، اندود، آمود)*. تدوین زهره بزرگمهری. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.

- جابری انصاری، محمدحسن. (۱۳۷۸). *تاریخ اصفهان*. تصحیح و تعلیق: جمشید مظاهری. اراک: نشر مشعل.
- جناب اصفهانی، علی بن محمدباقر. (۱۳۷۶). *الاصفهان*. به کوشش محمدرضا ریاضی. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- جعفری زند، علیرضا. (۱۳۸۱). *اصفهان پیش از اسلام*. تهران: انتشارات آن.
- دهگان، ابراهیم. (۱۳۴۲). *گزارش‌نامه یا فقه اللغه اسامی امکنه*. اراک: چاپخانه موسوی.
- زمرشیدی، حسین. (۱۳۷۳). *اجرای ساختمان با مصالح سنتی*. تهران: انتشارات زمرد.
- سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح. (۱۳۷۷). تهران: نقشه توپوگرافی ۵۰۰۰: ۱، برگ ۶۳۵۴IV (مبارکه).
- شفقی، سیروس. (۱۳۸۱). *جغرافیای اصفهان*. اصفهان: انتشارات دانشگاه اصفهان.
- قدامه بن جعفر، ابوالفرج. (۱۳۷۰). *الخراج*. ترجمه حسین قره چانلو. تهران: نشر البرز.
- کریمیان، حسن و عباسعلی احمدی و فریبا سعیدی. (۱۳۸۷). «تعیین کاربری و گاهنگاری کاخ-قلعه شاه‌دژ اصفهان با استناد به نتایج حفريات باستان‌شناسانه». *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران*. شماره ۴. صص ۷۹ تا ۱۱۰.
- لسترنج، گای. (۱۳۷۷). *جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی*. ترجمه محمود عرفان. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- مافروخی اصفهانی، فضل بن سعد. (۱۳۸۴). *محاسن اصفهان*. ترجمه حسین بن محمد آوی. اصفهان: سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان.
- مستوفی قزوینی، حمدالله بن ابی بکر بن احمد. (۱۳۳۹). *تاریخ گزیده*. به اهتمام عبدالحسین نوائی. تهران: موسسه چاپ و انتشارات امیرکبیر.
- مستوفی قزوینی، حمدالله بن ابی بکر بن احمد. (۱۳۳۶). *نزهة القلوب* (بخش نخست از مقاله سوم). به کوشش محمد دبیرسیاقی. تهران: کتابخانه طهوری.
- معین، محمد. (۱۳۵۳). *فرهنگ فارسی معین*. جلد دوم. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- مهریار، محمد. (۱۳۴۳). *شاهدز کجاست؟ (تحقیق درباره آثار اسماعیلی اصفهان)*. اصفهان: اداره نشریه دانشکده ادبیات اصفهان.
- میر، محمد. (۱۳۷۰). *جغرافیای طبیعی لنجان*. پایان‌نامه کارشناسی. نجف‌آباد: دانشگاه آزاد نجف‌آباد.
- میناسیان، کارو اون. (۱۳۸۷). *شاه‌دژ ارگ بلند نام اسماعیلی*. ترجمه ابوالقاسم سزّی. تهران: نشر اساطیر.

- Stern, Samuel, M., E. Beazly and A. Dobson, (1971), "The Fortress of Khan Lanjan", *Journal of Persian studies*, Vol. IX., pp. 45-5

Receive Date : 6/1/2011
Admission Date : 8/6/2011

Khan Lenjan Castle of Isfahan: An Archaeological Survey

Zhaleh Kamalizad* Seyed Asghar Mahmoudabadi** Ahmad Rezayi***

Abstract

The Khan Lenjan castle (today known as Qaleh-Bozi) is one of the mountainous fortifications of Isfahan province located on top of the three fields of Qaleh-Bozi Mountain about 10 km north east of Mobarakeh. The castle probably was built in Sassanid period and regarding to its strategic position, it was reconstructed during the Islamic periods. Owing to insufficient information on the architectural monuments of the castle (which has been built on three different levels), the present survey aimed to provide a comprehensive and accurate map of the architectural spaces given the topographic conditions of Qaleh-Bozi Mountain. Also in order to identify the reason(s) for the castle establishment, a comprehensive study based on relative written sources and documents was carried out. According to data obtained from the survey and mapping, the area of the castle is about one hectare and the fortifications include a high castle at the mountain's highest point, and a central fortress and a smaller castle at lower parts . In building Khan Lenjan castle, like other mountainous castles, it has been tried to make the best of the natural topography of Qale-bozi Mountain; the architectural plan of the castle lacks an orderly geometric pattern. Based on data extracted from the textual documents, it seems that the Khan Lenjan castle has had different functions in different periods. In fact, in addition to its safekeeping function, Khan Lenjan castle, in the course of different times, has had residential, governmental, military or defensive roles as well.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مركز جمع علوم انسانی

Key words: Khan Lenjan Castle, QalehBoziMountain, Archaeological survey, textual documents

* PhD Candidate in Islamic Archaeology, University of Tehran, Iran.

jalehkamalizad@Gmail.com

** Asso. Prof. of Ancient History, University of Isfahan, Iran.

*** MA Student in Archaeology, University of Tehran, Iran.

